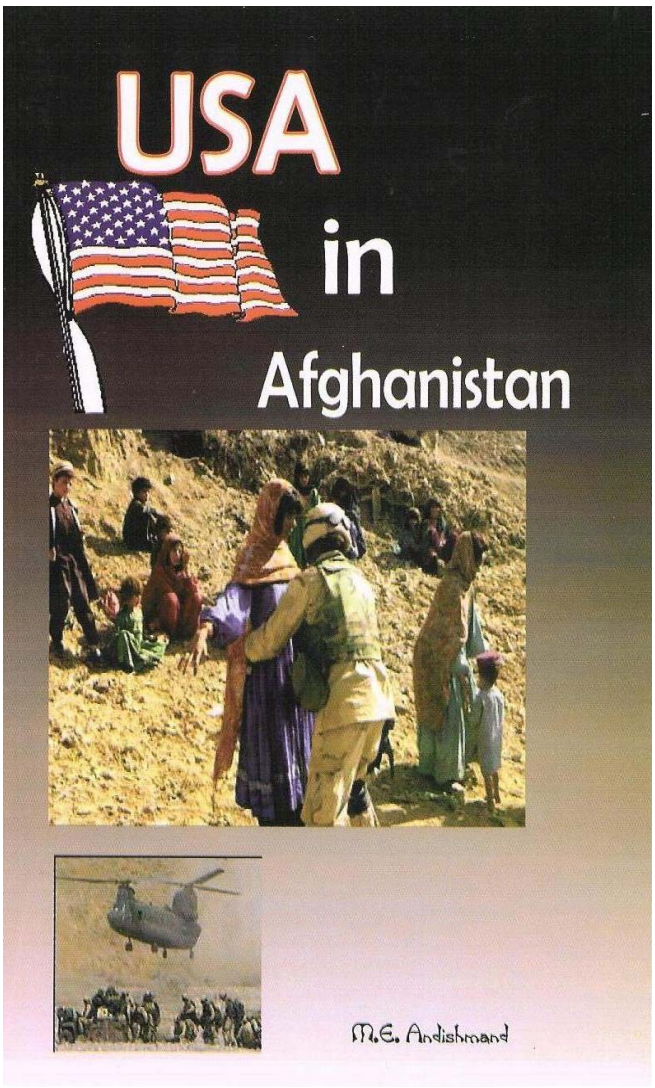
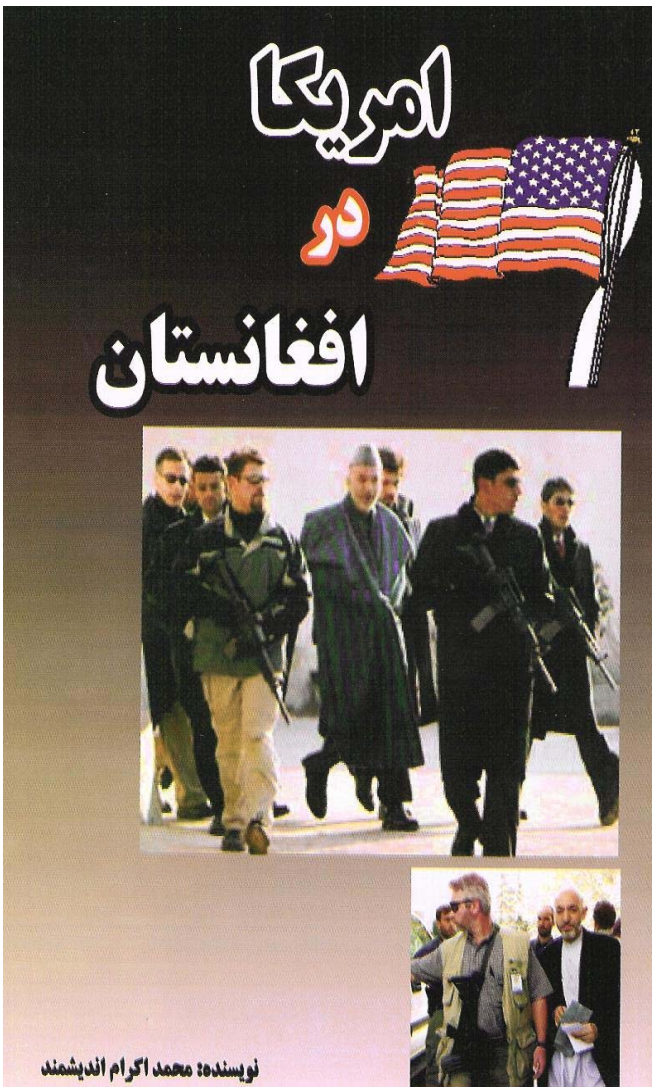
Preview (1 / 10) - ketabton.com





Preview (2 / 10) - ketabton.com

مشخصات :

نام کتاب: امریکا درافغانستان
نویسنده: محمداکرام اندیشمند
نوبت چاپ : یکم
تاریخ چاپ: 1384 هجری خورشیدی برابر با 2005 میلادی و1426 هجری قمری
تیراژ: 1000 جلد
ناشر: بنگاه انتشارات میوند
صفحه آرایی وچاپ: بنگاه انتشارات ومطبعۀ میوند، کابل، جوار ریاست فارمسی مقابل مطبعۀ معارف
تیلفون: 2103569
موبایل: 070284954 و 070295214
مراکز فروش:
کابل:کتابخانۀ سبا، چهارراهی صدارات، تیلفون:2200455
موبایل:079320366
پشاور: کتابخانل سبا، دهکی نعلبندی، بازار قصه خوانی پشاور
تیلفون:2565520 موبایل:03018883550
آدرس ایمیل: maiwand@asia.com

حق چاپ محفوظ است

Preview (3 / 10) - ketabton.com

فهرست مطالب صفحه

پیشگفتار
رابطه های نخستین
شناسایی رسمی وروابط دیپلوماتیک
افغانستان وایالات متحدۀ امریکا درسالهای پادشاهی محمدظاهر
1933 - 1973
1- روابط درعرصۀ سیاسی ودیپلوماتیک
2 - مناسبات دربخش اقتصادی وتجارتی
3 - ارتباط درامورفرهنگی ومعارف
4 - روابط درعرصه ی نظامی
ایالات متحدۀ امریکا وجمهوریت محمدداود (1973 - 1978)
روابط ایالات متحده درزمان حکومت کمونیستان وتجاوزنظامی شوروی
امریکا وحکومت حزب دموکراتیک خلق
ایالات متحدۀ امریکا ومجاهدین
سیاست استخباراتی ومناسبات غیررسمی
مرحلۀ تشدید وگسترش درسیاست استخباراتی
ظهورمناسبات رسمی ومرحله ی تهاجمی درسیاست استخباراتی
ایالات متحده وافغانستان بعد ازخروج قوای شوروی
امریکا ودولت اسلامی مجاهدین درکابل
ایالات متحدۀ امریکاوحکومت طالبان
امریکا ومناسبات با جبهۀ مخالف طالبان برهبری احمدشاه مسعود
1 - ایجادرابطه برسرخریداری ستنگر
2 - مناسبات اطلاعاتی درمورد اسامه بن لادن
حوادث سپتمبرومقدمه چینی حمله به افغانستان
امریکا وجبهۀ متحد درجنگ علیه طالبان
تشدید بمباران هوایی امریکاوسقوط حکومت طالبان
ایالات متحدۀ امریکا وافغانستان بعدازسقوط طالبان
1 - امریکا وتوافقنامۀ بن
2 – ایالات متحدۀ امریکا وحامدکرزی
3 - نقش زلمی خلیل زاد نماینده وسفیرامریکا درافغانستان
4 - امریکا وبازسازی افغانستان
رویکردها

Preview (4 / 10) - ketabton.com

بسم الله الرحمن الرحیم

پیشگفتار:

امریکا درافغانستان عنوان کتابیست که روابط ایالات متحده را با افغانستان، ازشروع این مناسبات مورد تبیین وبررسی قرارمیدهد.ازپیشینه ی روابط امریکا با افغانستان دردوره ی سلطنت محمد ظاهرشاه وحاکمیت محمد داود بحث میکند. به مناسبات ناپایدار وزود هنگام امریکا با حکومت حزب دموکراتیک خلق نگاه می شود. ازدوران دخالت ویا به تعبیر دیگرهمکاری امریکا درزمان جنگ مجاهدین علیه شوروی وکمونیزم که ازطریق استخبارات نظامی پاکستان آی – اس – ای انجام یافت صحبت بعمل میآید . به حملهٔ نظامی ودخالت مستقیم ایالات متحده ی امریکا در سال 2001 میلادی که منجربه سقوط حاکمیت طالبان وتشکیل حکومت حامد کرزی گردید، پرداخته می شود.

چرا امریکا به افغانستان حمله کرد؟ آیا ایالات متحده ی امریکا درایجادوتقویت طالبان وحاکمیت آنها نقشی داشت؟ رابطه ی اضلاع متحده ی امریکا با دولت مجاهدین برهبری برهان الدین ربانی واحمدشاه مسعود چگونه بود؟ نقش دولت مذکوروجبهه ی متحد به عنوان نیروی نظامی آن دولت درزمان حمله ی نظامی امریکا چه بود؟ نقش امریکا در تحولات سیاسی بعد ازسقوط طالبان درسه سال اخیر چیست؟ این ها وپرسش های متعدد دیگردرمباحث مختلف این کتاب مورد بحث وارزیابی قرارمیگیرد. البته ارایه ی پاسخ دقیق، روشن وهمه جانبه به این پرسش ها کاریست دشوار وپیچیده. چه ازیکطرف بسیاری ازنقشه ها وبرنامه های این حوادث وتحولات دردفترها وپرونده های استخبارات کشورهای ذیدخل دراین دگرگونیها ناگفته وپنهان باقی مانده است وازسوی دیگر جستجوگرانیکه درپی دریافت پاسخ این پرسشها دراین نوشته میباشند شاید پاسخ صحیح ودرست را تنها درهمآهنگی با تمایلات وخواسته های فکری خود سراغ کنند. درحالیکه پاسخ دادن به پرسشهای قابل بحث وارزیابی حوادث وتحولات مطابق تمایل وبرداشتهای افراد مختلف کاریست نامحتمل وغیرممکن. به خصوص بررسی ونگاشتن تحلیلی واقعات ودگرگونیهای سیاسی واجتماعی درافغانستان بسیاردشواروپیچیده است. چون جامعه وکشورافغانستان هنوزجامعه وکشورعقب مانده ودارای ساختارقبیلوی وقومی است . نه تحولات ودگرگونیهای سیاسی واجتماعی دراین جامعه ی سنتی وبدوی شکل وسیرقانونمند دارد ونه تحولات وعوامل حوادث و وقایع بگونه ی علمی ودرست مورد بررسی و ارزیابی قرارمی گیرد. هرحادثه و دگرگونی را هرکسی با دید، تمایل و وابستگی فکری، قومی، زبانی، گروهی، مذهبی، سیاسی، قبیلوی وحتی محلی خود مورد ارزیابی، شناخت وتفسیرقرارمیدهد. کسی وگروه قومی یا مذهبی ویا سیاسی، یک جنگ ویا حادثه ی واحد را خوب تعریف وتفسیرمیکند ویکطرف را برحق میداند، کسی وگروهی دیگردیدگاه

Preview (5 / 10) - ketabton.com

معکوس آنرا ابرازمیدارد. یک شخص واحد برای عده ای درافغانستان خاین وجنایتکار است وبرای عده ی دیگرقهرمان وقابل افتخار. حضورنظامی امریکا از دیدگاه تعدادی کمک بی شاییه ودوستانهٔ ایالات متحدهٔ امریکا است وبرای تعدادی یک تجاوزآشکاروسیاه. آنگونه که جمعی دردوران حمله ی نظامی شوری درپیشاپیش لشکریان سرخ روسی شمشیرمیزدند وبرای آنها می جنگیدند وعده ی دیگرعلیه آنها ودرمقابل آنها می رزمیدند. برای اولی ها لشکرکشی شوروی، کمک انترنا سیونالیستی جهت دفع تجاوز خارجی قدرت های امپریالیستی بود وبرای دومی ها آن لشکرکشی وجنگ یک تجاوز ظالمانه محسوب می شد وجنگ دربرابرآن یک وجیبه ی دینی و وطنی به حساب میرفت.
البته آنچه را نگارنده میخواهد درتبیین حوادث وارزیابی های خود رعایت کند فاصله گرفتن ازدخالت وتاثیرتمایلات وتعلقات فکری وسیاسی است. اینکه تا چه حدی میتوان این اصل را رعایت کرد شاید قضاوت خوانند گانی که خود می توانند رعایت چنین امری را مورد توجه وعنایت قراردهند ملاک درست داوری باشد. با وصف آن، نگارنده معتقد است که پرداختن به بیان وتحلیل حوادث و وقایع داغ وطن ما مخصوصاً دراین سه سال اخیریک آغازواولین گام است. گامی که به هیچ صورت نمیتوان آنرا خالی ازنقص و کاستی دانست.آرزومندم آنانیکه گام های بعدی را دراین مورد برمیدارند این کاستی هارا جبران کنند.

اندیشمند
تابستان 1384 هجری خورشیدی
برابربا2005 میلادی

Preview (6 / 10) - ketabton.com

رابطه های نخستین

نخستین رابطه هامیان ایالات متحدۀ امریکا وافغانستان به گذشته ی کمترازدوقرن پیش برمیگردد که بصورت غیررسمی آغازیافت. درحالیکه آغازرابطه ی رسمی به اندکی بیش ازنیم قرن قبل برمیگردد. وهرگاه به دوره ی انکشاف وگسترش روابط ایالات متحدۀ امریکا، نفوذ واثرگزاری آن به حوادث ودگرگونیهای افغانستان توجه بداریم، آغازوگسترش این روابط ونفوذ کمترازنیم قرن اخیرقابل بررسی ومطالعه است. به هرحدیکه ایالات متحده ی امریکا طی نیم قرن اخیردرسیاست های جهانی وتحولات جهان حضوریافته وبه هرمیزانیکه این حضورقوت وگستردگی داشته است به همان حد رابطه ونفوذ امریکا درافغانستان پیوسته بیشتروبیشترشده است. به گونه ایکه امروزایالات متحدۀ امریکا درجایگاه یگانه ابرقدرت یکه تازنظامی واقتصادی جهان قراردارد، رابطه واثرآن هم درافغانستان با نفوذ وحضورگسترده ی سیاسی، نظامی، اقتصادی وفرهنگی مشخص میشود. این رابطه واثرگذاری با هرتعبیری که درموردآن صورت بگیرد چنان عمیق، گسترده ودرعین حال سلطه گرانه است که رئیس جمهورکشورمان توسط بادیگاردان امریکایی محافظت میشود، کنترول آسمان افغانستان دردست نظامیان امریکایی قراردارد، نفوذ ونقش امریکا برتمام تحولات وانکشافات سیاسی، نظامی واقتصادی سه سال اخیرمشهود ونمایان است.

برقراری روابط غیررسمی میان دوکشورکه دررفت وآمد های شخصی تعداد محدود امریکائیان به افغانستان خلاصه میشود ازسال 1828 میلادی آغازیافت. افراد امریکایی ازآن زمان تا برقراری روابط رسمی ودیپلوماتیک میان هردوکشوردر1936 برای اهداف ومقاصد مختلفی که عمدتاً شخصی بود صورت میگرفت. کسب شهرت، کارتجارتی واقتصادی، مطالعه وتحقیق جهت وقایع نگاری وتاریخ نویسی، تبلیغات دینی برای مسیحیت وگاهی کاراستخباراتی وجاسوسی، این اهداف ومقاصد را تشکیل میدادند.

اولین امریکایی بنام « جوزیاه هارلان»Josiah Harlan که داکترجراح وجنرال گفته شده است در سال 1828 میلادی (1207 هجری خورشیدی) به عنوان جاسوس مخفی شاه شجاع درانی، شاه مخلوع وفراری درلباس یک درویش وارد کابل شد. اوتا سال 1841 درافغانستان ومناطق بیرون ازآن درنواحی شرقی گاهی به نفع این شهزاده وگاهی به نفع آن شهزاده وزمانی به طرفداری رنجیت سنگه پادشاه سیک پنجاب درلباس داکتر، افسر، جنرال، معلم وجاسوس باقی ماند وبعداً امریکا رفت.

ازمسافرت یک خانم امریکایی بنام خانم اولنی Mrs.Olny در1910 نام برده شده است. درسال 1911 میلادی انجنیرامریکایی « ای . سی . جیوت» A.C.Jewett ازطرف یک کمپنی بریتانوی استخدام گردید تا به اعماریک دستگاه تولید برق درجبل ا لسراج بپردازد. اوهفت سال درافغانستان باقی ماند.

درسال 1922 « کورنیلیوس . وان . اچ . انگرت» CorneliusVan H. Engert دیپلومات امریکایی درتهران که به چین تبدیل شده بود ازراه افغانستان به آن کشوررفت. هرچند او بیست سال بعد به حیث اولین وزیرمختارامریکایی به کابل برگشت. موصوف هالندی تباربود که همیشه تصویر بسیارخوشبینانه ازافغانستان ومردمش داشت. درهین سال « لوول توماس» Lowell Thomas روزنامه نگارمعروف امریکایی نیزازافغانستان بازدید بعمل آورد. اوبایکنفرعکاس بنام « دیودچس » David Chase ویک تاجرامریکایی به اسم « دیود ووسترکنگ »Davidwooster King همراه بود. درسال 1923 خانم امریکایی بنام « جین وانکوونیر» Jeanne Vancouner سفرگسترده ای درافغانستان داشت. درسال 1926 « هاری گوت فیلد»Harry Gottefeld یک وکیل دعواز فرانسسکو، کمپنی تجارتی افغان امریکایی را تشکیل داد. اوکه درانتخاب سناتور« شارترج» Shortridge ازکالیفورنیا مؤثربود ازطریق وی تلاش ناموفقی انجام داد تاوزارت خارجۀ امریکا افغانستان را به رسمیت بشناسد ومیان دوکشورروابط سیاسی برقرارشود. همچنان « هاریگوت فیلد» در1928 به پاریس رفت تا باامان الله خان پادشاه افغانستان درمورد امتیازنفت مذاکره کند.

درسال 1931 « ادوارد دولچین» Edward Dulchin نمایندۀ شرکت « جان کلوگ من وپسران» Gohn Klugman And Sons شرکت عمده درتجارت پوست مدتی درکابل سپری کرد تا انحصار

Preview (7 / 10) - ketabton.com

کلی تجارت قره قل را بدست آورد. درهمین سال راپورتر « سندی ماگزین» Sunday Magzine از هیرالدتربیون نیویارک Herald Tribune به اسم «بن جمیز» Ben James مدتی درکابل به سربرد. در 1932 یک امریکایی بنام « دیود جوف» effoG divaD که شغل ترویج معاملات تجارتی را داشت به کابل سفرکرد. سال بعد کولونیل وخانم تیودور روزولت درکابل مهمان محمدنادرشاه بودند. ازحضوراولین مبلغ مسیحی امریکایی بنام« دیوایت ام دونالدسن» Dwihht M. Donalson در 1930 سخن میرود. سپس دردهه ی 1950 میلادی تعدادی ازمبلغین مسیحی درلباس مستخدمین پروژه های مختلف امدادی وارد افغانستان شدند که « کرستی ویلسن» Christy Wilson به عنوان معلم یکی ازآن مبلغان بود که سالهای زیاد درلیسه حبیبیه ی کابل درس داد. اوبه ساختن کلیسایی اقدام کرد که ازسوی حکومت افغانستان تخریب گردید. درسال 1934 دوامریکایی برای تهیه ی فیلمی درمورد افغانستان بنام های« لارنس بیب» Laurence Bebe و «کلیرپیترز» Claire Peters وارد افغانستان شدند. همچنان ازافراد دیگری درطول این سالها نامبرده میشود که با اهداف مختلفی به افغانستان سفرداشته اند. (1)

نقطه ی بارزدرایجاد وفراگرد روابط غیررسمی یک قرنه ازطریق مسافرت های مذکوراین بود که برخی ازامریکایی ها دربازگشت، خاطرات وتصورات خودرا درمورد افغانستان ومردمش نگاشتند وبدست نشر سپردند. این نوشته ها که اکثراً دید وبرداشت بدبینانه ای را ارائه میکرد مبنای تصورات وشناخت امریکایی ها ازافغانستان ومردمش گردید. اما آنچه دراین خاطرات نویسی وبرداشت ها قابل تأمل است ودرعین حال شگفت انگیزومصیبت بارتبارزکرد این بود که شناخت وتصورات امریکایی ها ازافغانستان وجامعه ی افغانی که با آن نوشته ها شکل گرفت، یک قرن بعد نیزبرهمان مبنا باقی ماند وبازهم به افغانستان ازسوی آنها با همان دید وتصورنگاه می شد. درآن دوران به قول لیون پاولادا نویسنده، محقق ودیپلومات امریکایی دردهه ی چهل وپنجاه میلادی: « امریکائیان افغانستان را به صفت یک سرزمین دورافتاده ای که درآن به قول« کپلنگ» قبایل وحشی وددمنشی سکنی داشتند که افراد آنان قانون شکنان، متعصبان مذهبی متنفرازبیگانگان بودند، به غلط درک نمودند.» (2)

باوصف آنکه « پاولادا» آن درک امریکایی هارا یک قرن یا ده ها سال پیش یک درک غلط خواند، اما ده ها سال بعد امریکایی ها بازهم تصورودرک مشابه ازافغانستان داشتند. آنهم بعداز یک دوره جنگی را که مردم افغانستان علیه اشغال نظامی شوروی پشت سرگذاشتند وامریکایی ها دراین جنگ آنها را به عنوان مبارزان راه آزادی موردحمایت مالی وتسلیحاتی قراردادند. اما زمانیکه مبارزه ی این مبارزان راه آزادی نیروهای اشغالگر شوروی، رقیب ودشمن امریکا را ازخاک افغانستان بیرون کرد وزمینه سازفروپاشی امپراطوری شوروی شد ایالات متحده امریکا افغانستان را درجنگ وویرانی رها کرد. تصورامریکایی ها آن زمان که ازسوی رئیس سی آی ای سیاست گزاراصلی سیاست امریکا درمورد افغانستان بیان گردید درواقع تصوری بهترازآن چیزی نبود که « لیون پاولادا» به عنوان درک غلط امریکایی ها بیان داشت. دراین مورد« ستیوکول» Steve Collیکی ازمدیران روزنامه ی معروف ومعتبرامریکایی واشنگتن پوست ونویسنده ی کتاب « جنگ اشباح» (GHOST WARS) می نویسد: « دوسال بعد ازبه قدرت رسیدن کلنتن همه کمک های انکشافی دوجانبهٔ امریکا به افغانستان متوقف گردید. تصور« وزلی» رئیس سی.آی.ای ازافغانستان کشوری بود که درآنجا جنگ سالاران زیاد وجود داشت. جنگ داخلی و وجودمراکزتعلیمات نظامی درآن به نظراوخطری را متوجه شمال افریقا نمیکرد. . . . « توماس نیوتن» رئیس بخش عملیاتی سی.آی.ای فکرمیکرد امریکا درمورد میانجگری میان افغانها وتلاش برای وحدت آنها کاری ازدستش ساخته نیست. . . . » (3)

چه تفاوتی میان دوتصوری که ازافغانستان ومردمش ده ها سال قبل بنام سرزمینی متشکل ازقبایل وحشی قانون شکن ارائه شد وتصورازسرزمینی متشکل ازجنگ سالاران زیاد که ده ها سال بعد ارائه گردید،وجوددارد؟ به ویژه که پیامد ونتیجهٔهردوتصورتوسط امریکایی ها شکل واحد ویکسان داشت: *پشت کردن به افغانستان وخودداری ازهرگونه کمک وهمکاری سازنده، واقع گرایانه وعادلانه.*

Preview (8 / 10) - ketabton.com

شناسایی رسمی وروابط دیپلوماتیک

درسال 1919 میلادی(1298هجری)، سال جنگ سوم افغان وانگلیس وهمچنان سال حصول استقلال افغانستان، امان الله خان پادشاه کشورهیئتی را بریاست محمد ولی خان دروازی (بدخشانی) بسوی اروپا وایالات متحده امریکا فرستاد تا استقلال افغانستان را به سمع حکومت ومردم آن کشورها برسانند وتوافق آنها را درایجاد روابط رسمی ودیپلوماتیک وتأمین روابط درسایرعرصه ها جلب بدارند. سایر اعضای هیئت عبارت بود از: میرزامحمد خان یفتلی، عبدالرحمن لودی، سردار فیض محمد ذکریا،





سردارفیض محمد ذکریا



وزیرمحمد گل مهمند

محمد ولی خان دروازی



میرزامحمدخان یفتلی

محمد گل خان مهمند وچند تن دیگر. لازم به تذکر است که محمد ولی خان دروازی بعد از همه مساعی وتلاش درراه معرفی استقلال کشوربه دنیای خارج توسط محمد نادرشاه دراپریل 1930به جرم توطئه برای بازگردانیدن امان الله خان به پادشاهی طی یک محکمه ی نمایشی به قتل رسانیده شد.

بریتانیا حق استقلال را مطابق معاهده ی گندمک که درسال 1879 با امیرمحمدیعقوب خان امضاء داشت ازافغانستان سلب کرده بود. معاهده ای که برمبنای آن سیاست خارجی افغانستان تا سال 1919 دردست انگلیس ها قرارگرفت.

Preview (9 / 10) - ketabton.com

محمد ولی خان درسفربسوی اروپا وامریکا که دراواخرسپتمبر 1919 به تاشکند رسید وبا نمایندگان شوروی بریاست « براوین» بصورت رسمی به مذاکره پرداخت ازآن شهر پیامی را عنوانی رئیس جمهوروقت امریکا« ورین هاردینگ» Warren Harding فرستاد. درپیام گفته شد که وی ازافغانستان درکنفرانس صلح جهانی نمایندگی میکند ودرضمن خواستارهمکاری با ایالات متحده امریکا درحصول وشناسایی استقلال افغانستان میباشد. (4) اما زمانیکه هیئت خواست ازمسکو بسوی اروپای غربی وازآنجا رهسپاراضلاع متحده ی امریکا شود، ازادامه ی سفرهیئت توسط جمهوریت های بالکان شوروی به اثرفشاربریتانیا جلوگیری به عمل آمد. درآن سال هیئت رسمی افغانستان نتوانست به ایالات متحده امریکا سفرکند تا عکس العمل رسمی آن کشوردررابطه با افغانستان آشکار شود. ولی واشنگتن هیچگونه پاسخی به پیام تلگرام شده ی هیئت ازتاشکند ارائه نکرد واین نشان میداد که اضلاع متحده امریکا توجه واعتنایی به نخستین گام ها وتلاش های افغانستان درمسیراستقلالش از استعماروسلطه ی بریتانیا ندارد. البته این نکته را ناگفته نباید گذاشت که دولت شوروی برهبری لنین درعبورهیئت ازجمهوریت های بالکان خود بسوی اروپا که زمینه ی حرکت هیئت را به طرف امریکا مساعد میساخت مساعی جدی وصادقانه انجام نداد. این درحالی بودکه شوروی ازهیئت افغانستان استقبال گرم بعمل آورد واستقلال افغانستان را به حیث اولین کشورخارجی به رسمیت شناخت. لنین شخصاً هیئت را بروزچهاردهم اکتوبر 1919 درمسکو برای ملاقات پذیرفت وبه آنها گفت:" بسیار خوشوقتم که نماینده ی مردم دوست ما افغانستان را که ظلم می بیند وبرضد اسارت امپریالیستی مبارزه میکند، درپایتخت سرخ حکومت کارگران ودهقانان می بینم ."

سفرهیئت افغانستان بسوی اروپا وامریکا مخالف میل وخواست بریتانیا بود. شوروی هرگونه معامله را با هیئت براساس منافع ومصالح خود ارزیابی میکرد. همکاری با هیئت درسفربسوی اروپا وامریکا نارضایتی وعصبانیت انگلیس هارا برمی انگیخت. استقبال گرم ازهیئت افغانستان برای دولت نوتشکیل بلشویکی روسها بنام اتحاد شوروی که هنوزازسوی ممالک اروپایی برسمیت شناخته نشده بود یک امتیازوگامی درجهت منفعت آن محسوب می شد. ازجانب دیگراغفال جوامع وملت های مسلمان آسیای مرکزی وماورای فققازبرای گسترش نفوذ وسلطه به مناطق وسرزمین آنها هدف روسها را ازاین استقبال وپذیرایی تشکیل میداد. دخالت انگیزه های همکاری وحمایت مبارزه ی مردم افغانستان برضد ظلم واسارت امپریالیستی ازسوی شوروی آنگونه که دراظهارات لنین انعکاس یافت وشناسایی استقلال افغانستان درجهت این حمایت ، تظاهری بیش نبود. درحالیکه شوروی استقلال افغانستان را برسمیت شناخت ودرمذاکرات رسمی با هیئت کابل استقلال آینده ی بخارا وخیوه را پذیرفت (5) ولنین درمسکو خواستارکمک مسلمانان شرق به قول اودرجنگ آزادیبخش کبیرروسیه ی شوروی گردید، ولی بعداً بخارا وخیوه را به اشغال دایمی روسیه شوروی درآورد وجانشینان اوشش دهه بعد افغانستان را مورد حمله واشغال نظامی قراردادند.

بعد ازاولین دورتلاش نا مؤفق هیئت رسمی افغانستان درسفربسوی اروپا وایالات متحد ه امریکا، هیئت مذکورتحت ریاست محمدولی خان دروازی درسال 1921 میلادی شروع به انجام مجدد این سفرکرد. هیئت بعد ازورود به مسکو معاهده ی دوستی را در 28 فبروری 1921 با دولت شوروی به امضاء رسانید. سپس ازراه پولند به برلین پایتخت کشورآلمان رسید ودرآلمان مؤفق شد تا توافق آلمانها را برای پذیرش نماینده ی رسمی ودیپلوماتیک افغانستان به برلین کسب بدارد. اعزام نماینده ی مشابه ازسوی آلمان به کابل به آینده محول گردید. هیئت متعاقباً ازآلمان به ایتالیا رفت ودرروم توافق ایتالوی هارا درتبادله ی سفیرمیان دوکشوربدست آورد. سپس هیئت افغانستان ازروم به پاریس آمد تا ازآنجا عازم ایالات متحده امریکا شود. هیئت درپاریس با « والس هیو کامبیل»Wallace Hugh Campbell سفیرامریکا مقیم آن شهر دیداربعمل آورد وتصمیم خودرا درعزیمت بسوی امریکا با حمل نامه ی رسمی پادشاه و وزیرخارجه ی افغانستان به سمع اورسانید. هیئت درواقع ازهدف خود ومحتوای نامه که اعلان استقلال افغانستان وتقاضا برای شناسایی رسمی وبرقراری روابط دیپلوماتیک ومناسبات نزدیک درعرصه های دیگربا امریکا بود با سفیرسخن گفت. اما سفیرامریکا قبل ازحرکت هیئت با « لورد هاردینگ» Lord Hardinge سفیربریتانیا درفرانسه صحبت تیلفونی برقرارداشت وازاو ذهنیت

Preview (10 / 10) - ketabton.com

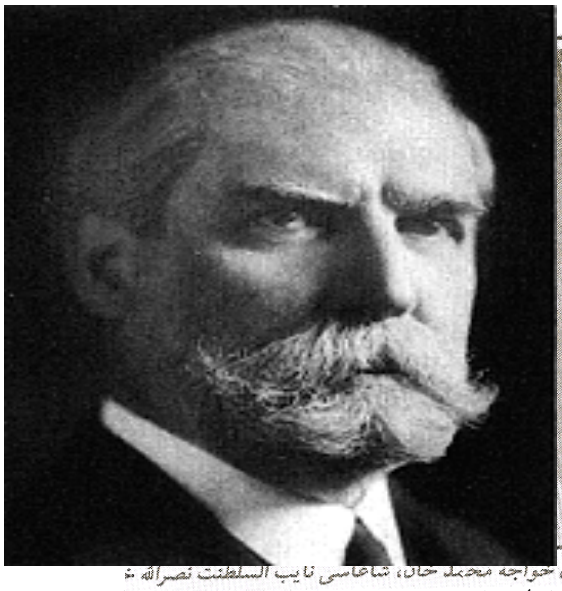
وسیاست دولت بریتانیا را درموردهیئت افغانستان جویا شد. سفیربریتانیا به سفیرایالات متحده پاسخ کتبی داد ونوشت:« چون هیئات ازطرف رئیس جمهورفرانسه ونخست وزیرفرانسوی « ام. برایند» M.Briand پذیرایی شده سفیرامریکا نمی تواند بگونه ای که قابل توجیه باشد ازپذیرفتن آن استنکاف ورزد. اما حکومت بریتانیا فعالیت های این هیئات یا مساعی آنرا درانعقاد موافقت نامه ها با دیگر حکومات به چشم رضا وقبول نمی بیند. . . . (6)

در واقع نظرخواهی سفیرایالات متحده ازسفیرانگلیس که بالاترازیک مشوره بود آغازشکل گیری سیاست امریکا را درقبال افغانستان منعکس میسازد. سیاستی که آنزمان برمبنای تمایلات وخواهشات انگلیس پی ریزی شد وتا آخروتا اکنون نیزدرپی این تمایلات به جریان افتید.

هیئت افغانستان در 12 جولای 1921 وارد امریکا شد ودربیستم جولای با وزیرخارجهٔ امریکا «چارلیز ایونزهیوز»Charles Evans Hughes ملاقات کرد. قبل ازآن وزیرخارجه موصوف نامه ی رسمی سفیربریتانیا درفرانسه را که مشابه آنرا به سفیرامریکا دران کشوردرمورد هیئت افغانی نگاشته بود دریافت کرد. علاوه برآن درنامه ازروابط نزدیک ودوستانه میان افغانستان وشوروی که آن زمان هنوزرژیم بلشویکی روسیه ی شوروی مورد پذیرش رسمی ایالات متحده وبریتانیا قرارنداشت تذکرداده شده بود. هیئت افغانستان حین ملاقات با وزیرخارجهٔ امریکا درحالیکه نامه ی محمودطرزی وزیرخارجه ی کشوررا تقدیم وزیرخارجهٔ میزبان کرد ازاستقلال افغانستان وتأمین روابط سیاسی ودیپلوماتیک میان دوکشورسخن بمیان آورد. اما تمایل وتقاضای هیئت به پاسخ منفی امریکایی ها روبروگشت وبعد ازیک ملاقات کوتاه وبرخورد سرد باهیئت، تأسیس روابط دیپلوماتیک ازحیطه ی صلاحیت کانگریس وانمود شد. هیئت افغانستان بعد ازملاقات ومذاکره ی سرد



محمود طرزی وزیر خارجه در 1921

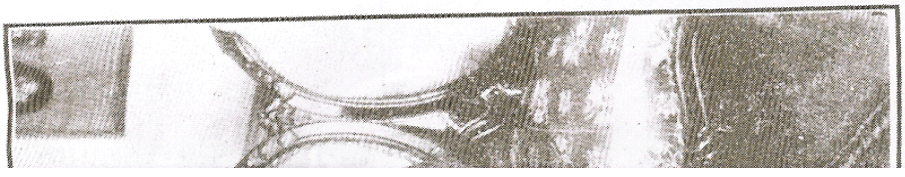


جنرال خواجه محمد خان، شاخاسی نایب السلطنت نصرالله خ

«چارلیز ای. هیوز» وزیرخارجه امریکا

با وزیرخارجهٔ امریکا موفق به ملاقات با «وارین هاردنگ»Warren Harding رئیس جمهوروقت ایالات متحده امریکا شد که درآن ملاقات ضمن تقدیم نامه ی امان الله خان خواستارمناسبات نزدیک با آن کشورگردیدند. اما رئیس جمهورامریکا دراین ملاقات با هیئت افغانی جواب مشابه وزیرخارجه ی خودرا ارائه کرد.

محمود طرزی



PREVIEW

You've reached the end of the preview.

Purchase the full book to continue reading.

Buy this book - ketabton.com

https://ketabton.com/books/cA1EftuzHVZ

Preview on ketabton.com. Rights remain with the author or publisher.